

حکم ذبایح اهل کتاب

آیات مربوط به ذبح حیوانات، در مواردی متعدد از قرآن بیان شده است:

۱- قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۱

بگو: در آن چه که به من وحی شده است، چیزی را نمی‌یابم که برای خوردندگان طعام حرام باشد، مگر این که مردار باشد، یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است، یا حیوانی که بدون بردن نام خدا از روی فسق ذبح کنند. پس هر گاه کسی به خوردن آن‌ها مضطر شد، در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی و تجاوز از فرمان خدا نباشد، قطعاً خدا خواهد بخشید که پروردگارت درگذرنده و مهربان است.

۲- فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ وَ مَا لَكُمْ إِلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّرْتُمْ إِلَيْهِ وَ إِنْ كَثِيرًا لِيُضِلُّوْا بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنْ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ... وَ لَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ وَ إِنْ الشَّيَاطِينُ لِيَُوحُونَ إِلَيْكُمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ^۲

اگر شما به آیات خدا ایمان دارید، از چیزی بخورید که نام خدا بر آن ذکر شده است. چرا از آن چه نام خدا بر آن ذکر شده، نمی‌خورید، در صورتی که آن چه بر شما حرام شده، به تفصیل بیان گردیده است که از آن‌ها هم به آن چه مضطر شوید، حلال است. بسیاری با هوای نفس خود ندانسته مردم را به گمراهی می‌اندازند. پروردگارت کسانی را که از حدود او تجاوزکارند، بهتر می‌شناسد ... و از آن چه نام خدا بر آن ذکر نشده، مخورید که این کار فسق است. شیاطین به دوستان خود یاد می‌دهند تا با شما به مجادله برخیزند و اگر شما از آنان پیروی کنید، بدون شک شما هم مشرکید.

۳- حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْحَنِقَةُ وَ الْمَوْقُودَةُ وَ الْمَمْرُودَةُ وَ

اَللّٰطِيْحَةُ وَ مَا اَكَلَ السَّبْعُ اِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلٰى اَلنُّصَبِ وَ اَنْ تَسْتَقْسِمُوْا بِالْاَزْلَامِ ذٰلِكُمْ فِسْقٌ اَلْيَوْمَ يَئِسَ
اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا.^۱

گوشت مردار، خون، گوشت خوک و ذبیحه‌ای را که به نام غیر خدا کشته‌اند، بر شما حرام است و نیز هر حیوانی که به خفه کردن یا چوب زدن یا از بلندی افکندن یا با شاخ زدن به یکدیگر بمیرند و نیز نیم‌خورده دزدگان، جز آن را که قبلاً ترکیه کرده باشید و آن را که برای بتان می‌کشند و آن را که [به رسم جاهلیت] با تیرها تقسیم می‌کنید، همه حرام است، چون این کار فسق است. امروز کافران ناامید می‌شوند که ...

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نه در این آیات و نه در آیات دیگر، هیچ اشاره‌ای به شرطیت اسلام در ذبح وجود ندارد. بنابراین، این حکم که آیا ذبیحه اهل کتاب حلال است یا نه؟ باید از ادله دیگر استفاده شود که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اجماع

گمان نمی‌رود در این مسئله، اجماع قابل توجهی وجود داشته باشد، زیرا اولاً: امثال صدوق و عمانی و اسکافی، مخالف حرمت مطلق ذبیحه اهل کتابند. ثانیاً: مدارک موجود بر جواز و حرمت فراوان است. بنابراین، جای تمسک به اجماع نمی‌باشد، ولی مشهور حرمت اکل ذبیحه اهل کتاب است.

روایات

چند گروه روایت در این مسئله وجود دارد:

گروه اول- این گروه، حرمت اکل ذبیحه اهل کتاب را به طور مطلق بیان می‌کند، از آن جمله:

۱- شیخ طوسی در تهذیب از شحام از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که: ذبیحه ذمی را نخور، خواه به هنگام ذبح اسم خدا را بگوید یا نگوید.

۲- از سماعه از موسی بن جعفر علیه السلام می‌گوید: از ذبیحه نصاری و یهود سؤال کردم. فرمود: به آن نزدیک مشو.

۳- نظیر همین روایت از ابی‌المعز وارد شده است، با این تفاوت که فرمود: به ذبیحه نصاری و یهود نزدیک نشوید.

۴- حسین احمسی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: همسایه‌ای قصاب داریم که یهودی را می‌آورد تا برای او ذبح کند، تا یهود از او گوشت بخرند. حضرت فرمود: ذبیحه یهود را نخورید و گوشتش را نخورید.

۵- اسماعیل بن جابر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: از ذبایح یهود و نصاری و از ظرف‌های آن‌ها چیزی نخورید.

۶ - حسین بن منذر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی وجود دارد که از کوه‌ها گوسفند می‌آورد و کارگران مجوسی و نصرانی دارد. گاهی گوسفند به علتی صدمه می‌بیند و آن را ذبح می‌کند و می‌آورد. حضرت فرمود: نخور.

گروه دوم - این گروه از روایات، ذبیحۀ اهل کتاب را مطلقاً تجویز می‌کند، از آن جمله است:

۱- روایت صحیح از حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ذبیحۀ اهل کتاب پرسیدند. فرمود: مانعی ندارد.
۲- محمد حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ذبیحۀ اهل کتاب و زن‌های آن‌ها پرسیدم. فرمود: مانعی ندارد.
گروه سوم - روایاتی است که می‌گوید: از ذبیحۀ اهل کتاب نخورید، زیرا آنان به هنگام ذبح، اسم خدا را نمی‌برند. یا بدین بیان که: اگر شنیدید نام خدا را به هنگام ذبح می‌گویند، بخورید. این گروه از روایات دارای اکثریتی قابل توجه است. مرحوم فیض کاشانی در کتاب *وافی مجلد سوم*، از صفحه ۳۶ تا ۳۸، در حدود ۲۳ روایت از جزء دهم نقل نموده است، از آن جمله:

۱- شیخ طوسی در *تهذیب از فتیبة الاعشی* نقل می‌کند: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید و من در آن جا بودم که گفت: ما گاهی نصرانی و یهودی را با گوسفند می‌فرستیم؛ صدمه‌ای به گوسفند می‌رسد و آن‌ها، آن را ذبح می‌کنند. آیا ذبیحۀ آنان مباح است؟ فرمود: مال آن ذبیحه را در مال خودت داخل مکن و از آن ذبیحه نخور، زیرا مجوز ذبیحه، نام خداست و جز مسلمان، کسی برای بردن نام خدا مورد اطمینان نیست.

۲- ابن وهب می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ذبیح اهل کتاب پرسیدم. فرمود: اگر اسم خدا برده شود، مانعی ندارد. مقصود از اهل کتاب، کسانی هستند که به دین موسی و عیسی علیهم السلام می‌باشند.
۳- درباره ذبیحۀ مشرکین نیز به همین حکم یک روایت وارد شده است. حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید: بخور از ذبیحۀ مشرک، اگر نام خدا را ببرد و تو بشنوی.

گروه چهارم - روایاتی است که کسی را که ذبیحۀ اهل کتاب را نخورده است، تحسین می‌کند، مانند روایتی که حسین بن عبدالله نقل می‌کند. می‌گوید: معلی بن خنیس و ابن ابی یعفر در یک مسافرت همراه بودند. یکی از آن دو، از ذبیحۀ یهود و نصاری خورد. وقتی نزد امام صادق علیه السلام آمدند، پرسیدند، حضرت فرمود: آن کسی که نخورده است، کار خوبی کرده است.

گروه پنجم - روایاتی است دال بر این که ذبیحۀ نصاری اعراب را نباید خورد، زیرا آنان بت‌پرست می‌باشند، مانند این روایت که از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد از ذبیح نصاری عرب، فرمود: امیرالمؤمنین از ذبیح آن‌ها نهی می‌فرمود. در روایتی دیگر می‌فرماید: از ذبیحۀ نصاری تغلب نخورید، زیرا آنان از مشرکین عرب می‌باشند. در روایت دیگر از حضرت باقر علیه السلام چنین آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: ذبیحۀ نصاری عرب را نخورید،

زیرا آنان اهل کتاب نیستند.

گروه ششم - روایات متعددی است که تنها قربانی کردن به دست اهل کتاب را ممنوع می‌داند، مانند:
 ۱- آن چه در کتاب علی علیه السلام آمده است که نباید قربانی‌ها را مجوس و نصرانی اعراب ذبح کنند. اما اگر اسم خدا را ببرند، ذبیحه آن‌ها مانعی ندارد.

۲- ابی بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: یهودی و نصرانی و مجوس برای تو قربانی ذبح نکنند.

گروه هفتم - روایاتی است که می‌گوید: از ذبیح اهل کتاب نخورید؛ مگر نمی‌بینید آنان از ذبیح شما نمی‌خورند. شاید بیش تر روایاتی که می‌گوید: اگر نام خدا برده شود، ذبیحه اهل کتاب مباح است، موجب شده است که فقیه مرحوم آیه الله سیّد ابوالحسن اصفهانی رحمته الله حرمت این ذبیحه را قاطعانه بیان نکند. او فرموده است: اقوی حرمت ذبیحه اهل کتاب است.

با نظر به مجموع روایات، آشکار می‌شود که بحث در این مسئله نیز مانند بحث در مسئله طهارت اهل کتاب است. بعید نیست که در صورت نام بردن خدا به هنگام ذبح، گوشت حلال باشد و شرطیت استقبال قبله برای غیر مسلمانان مقرر نشده باشد.

علت وجوب نام بردن خدا به هنگام ذبح

نام بردن خداوند به هنگام ذبح حیوان، یکی از عالی‌ترین و انسانی‌ترین احکام اسلامی است که ارزش جان‌داران را اثبات می‌کند. خون‌ریزی بدترین حرکت انسانی است، خواه از حیوان پست باشد یا از یک انسان. نام خدا را به زبان آوردن، معنایش این است که: اگر خداوند اجازه نمی‌داد، من حقیقاً از پا درآوردن جاننداری را نداشتم. عدم استعمال خون نیز به شکل طبیعی‌اش، به همین خاطر است که مردم در مسئله زندگی بی‌پروا نباشند و شاید برای این باشد که در گرفتن ماهی از آب و ملخ از هوا، اسلام شرط نیست. همین مقدار کافی است که احراز شود ماهی از آب اخراج شده است و در خشکی مرده است، زیرا کشتن ماهی نمودی از خون‌ریزی ندارد.

دیدگاه فقهایی چهارگانه عامه

مالکی‌ها می‌گویند: ذبیحه اهل کتاب حلال است، به این شروط:

الف - به غیر نام خدا ذبح نشود، مانند صلیب و عیسی و بت و غیر آن.

ب - باید از حیوانات مأكول اللحم باشد، ولی شکاری که به سبب جراحتی که اهل کتاب به حیوان وارد

می‌سازند، حلال نیست.

حنفی‌ها می‌گویند: حلیت ذبیحه کتابی، خواه یهودی باشد و خواه نصرانی، مشروط به این است که به نام غیر خدا ذبح نشود، مانند مسیح و صلیب و عزیر ... و در نصاری تفاوت نیست در این که شخص عرب باشد، یا تغلبی یا فرنگی و ارمنی و صابئی.

شافعی‌ها می‌گویند: ذبیحه اهل کتاب حلال است، خواه اسم خدا را بگویند یا نه. آری، باید اسم غیر خدا را نبرند. شافعی‌ها، اصل نام بردن خدا را مستحب مؤکد می‌دانند.

حنبل‌ها می‌گویند: در حلیت ذبیحه کتابی شرط است که مانند مسلمانان، نام خدا را به هنگام ذبح ببرند.^۱

محمد تقی جعفری

مردادماه ۱۳۴۰ خورشیدی

توضیح: این مقاله ابتدا در کتاب منابع فقه چاپ شد و سپس نام آن در سال ۱۳۷۵ توسط علامه جعفری به رسائل فقهی تغییر یافت. موضوعاتی دیگر که در این کتاب بررسی و تحقیق قرار گرفته است، عبارتند از:

طهارت اهل کتاب

عدم انحصار زکات در مواد نه‌گانه

قاعده لا ضرر و لا ضرار

حلیت و حرمت گوشت انواع حیوانات

حقوق حیوانات در فقه اسلامی

کیفر سرقت در اسلام

مقایسه حقوق بشر در اسلام و غرب و تطبیق آن دو بایکدیگر

بحثی درباره امر به معروف و نهی از منکر

حرمت سقط جنین

مسئولیت مدنی ناشی از جرم کودکان بزهکار در فقه و حقوق اسلامی

متن استفتائات از علامه محمد تقی جعفری

* بیماری‌های علاج‌ناپذیر بر مبنای قواعد پزشکی

* انتقال دادن نطفه مرد به رحم زن

* عمل قاضی به علم خود در قضاء

* ماهیت طنز در فرهنگ دینی

مؤسسه تبیین و نشر آثار علامه جعفری